

گردشگری فرهنگی

چکیده:

در بحث گردشگری فرهنگی عموماً دو محور مورد بررسی قرار می‌گیرد محور اول گردشگری مرتبط با میراث فرهنگی يك مقصد می‌باشد و بیشتر ر این دیدگاه بعد تاریخی يك جامعه مورد نیاز است و محور دوم گردشگری فرهنگی موضوع زمان حال و فرهنگ جاری يك مقصد را مدنظر قرار می‌دهد.

در حقیقت گردشگری فرهنگی نوعی از گردشگری است که گردشگر را به فراگیری، آموزش، کنکاش و کسب تجربه درباره فرهنگ حال و گذشته جامعه مقصد و مقایسه آن با داشته‌ها و انگیزه‌های جامعه خود و دیگران می‌نماید و در واقع تجربه کیفی میان گردشگر و محیط مورد بازدید می‌باشد.

با توجه به نقش برجسته جوامع محلی در مباحث مرتبط با پایداری و توسعه به ویژه در 20 سال اخیر و داده‌های حاصل از تحقیقات مرتبط با اثرات گردشگری، نوع جدیدی از گردشگری بنام گردشگری جامعه محور و گردشگری فرهنگی مطرح شده است.

این نوع گردشگری با توجه به ویژگی‌های مناسب و توانایی بالقوه در توانمندسازی جوامع محلی به عنوان راهکاری جهت دستیابی به توسعه پایدار گردشگری مخصوصاً در کشورهای جهان سوم و در مبحث توسعه روستایی مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است.

کلید واژه: گردشگری فرهنگی- توسعه پایدار- اصول پایدار گردشگری - توسعه پایدار گردشگری - مدل گردشگری فرهنگی_گردشگری جامعه محور

مقدمه :

گردشگری جامعه محور و گردشگری فرهنگی به عنوان راهکاری جهت دستیابی به توسعه پایدار گردشگری مخصوصاً در کشورهای جهان سوم و در مبحث توسعه روستایی مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است.

ظهور اندیشه توسعه پایدار در دهه 60 میلادی به همراه پررنگ شدن نقش جوامع محلی و تاکید بیشتر به نگرش پایین به بالادر مدیریت و توسعه، تمامی زمینه‌های علمی و صنعتی در جهان را تحت تاثیر قرار داده است. در این بین گردشگری نیز از این تاثیر بی‌بهره نبوده و دستخوش تحولاتی شده که منجر به طرح مباحث نوینی در ادبیات گردشگری و ظهور اشکال نوینی از این فعالیت شده است.

گردشگری جایگزین که خود به عنوان نقطه آغازین این تحولات در پاسخگویی به مفهوم توسعه گردشگری پایدار شکل گرفته، در طول تاریخ تحول صنعت گردشگری و در راستای تطبیق بیشتر با نیازها و نوآوری‌های صنعت سر منشا شکل‌گیری انواع گوناگونی از گردشگری مانند

اکوتوریسم، طبیعت‌گردی و گردشگری روستایی و گردشگری فرهنگی شده است.

توسعه پایدار در عرصه گردشگری :

رشد صنعت گردشگری تأثیرات چند جانبه ای در کشورها به دنبال دارد. برقراری توازن و تعادل در وضعیت پرداخت ها، تنوع اقتصادی، افزایش درآمدها و ایجاد فرصت های شغلی از پیامدهای این صنعت به شمار می آید. دستیابی به رشد اقتصادی پایدار از شاخص های اصلی پیشرفت برای کشورهای در حال توسعه به شمار می آید. گردشگری بخش عمده ای از درآمد اقتصادی کشورها و 10 درصد از تولید ناخالص ملی آنها را شامل می شود. در حداقل یک سوم از کشورهای در حال توسعه گردشگران منبع اصلی درآمد بوده و در واقع مولد درآمد اقتصادی کشورها به شمار می آیند. رشد چشمگیر گردشگری در 50 سال اخیر یکی از مهمترین پدیده های اقتصادی و اجتماعی قرن بیست و یکم محسوب می شود. افزایش شمار گردشگران خارجی از 25 میلیون نفر در سال 1950 به 763 میلیون نفر در سال 2004 نمایانگر متوسط رشد سالانه ای بیش از 7 درصد در طول 50 سال گذشته است. گردشگری تمامی بخشهای اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده و در فعالیت های شاخص اقتصادی در دنیا بسیار تأثیرگذار بوده است. این صنعت همچنین تأثیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی فزاینده ای در سطح جهانی و ملی دارد. برای بیشتر کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای حداقل توسعه یافته (LDCS)، گردشگری ستون اصلی توسعه اقتصادی به شمار می آید. البته این امر در همه کشورها به یک میزان وجود ندارد. برای نمونه صنعت گردشگری در

بنگلادش مدتها است که مورد بی توجهی قرا رگرفته است. این در حالی است که طبیعت زیبا و منحصر به این کشور می تواند میزبان گردشگران بی شماری از سراسر نقاط دنیا باشد. برخی از آثار تاریخی این کشور بیش از 2000 سال قدمت دارند و سازمان گردشگری این کشور در سال 1973 با هدف توسعه تسهیلات گردشگری و بالا بردن تولیدات مرتبط با این صنعت و ارائه تصویر جدیدی از این کشور تاسیس شد. گردشگری می تواند با مشارکت در سه هدف اصلی کشورهای در حال توسعه که تولید درآمد، اشتغال زایی و درآمد ناشی از ورود ارز خارجی است، نقش مهمی در قالب نیروی محرک توسعه اقتصادی ایفا کند. گردشگری فرصت های شغلی خوبی را برای گروه های مختلف اجتماعی به وجود می آورد و در نتیجه می تواند نقش مهمی در ریشه کن کردن فقر در کشورهای در حال توسعه داشته باشد. علاوه بر این گردشگری دولت هر کشور را به توسعه زیرساخت های خود تشویق می کند، همچنین در توازن پرداخت های کشوری (BOP) نیز نقش دارد. به عبارتی گردشگری موتور قدرتمند پیشرفت در کشورهای در حال توسعه به شمار می آید. در سنگاپور گردشگری نقش مهمی در درآمدزایی، اشتغال و توازن کلی پرداخت ها دارد. سنگاپور طرح کلی گردشگری با عنوان "گردشگری 21" دارد که این برنامه برای تبدیل این کشور به یکی از مراکز گردشگری در دنیا تنظیم شده است. مالزی در این زمینه میلیونها دلار به توسعه زیرساخت های گردشگری خود اختصاص داده است تا شمار بیشتر گردشگر را به سمت کشور خود جذب کند. در نپال 20 درصد از درآمد خارجی این کشور از این صنعت تامین می شود. در مالدیو گردشگری 70 درصد از ورود ارز خارجی به این کشور و 40 درصد از درآمد دولت و 20

درصد از تولید ناخالص ملی را شامل می شود. سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل (UNWTO) مالدیو را نمونه توسعه پایدار گردشگری معرفی کرده است. رشد صنعت گردشگری تاثیرات چند جانبه ای در کشورها به دنبال دارد. برقراری توازن و تعادل در وضعیت پرداخت ها، تنوع اقتصادی، افزایش درآمدها و ایجاد فرصت های شغلی از پیامدهای این صنعت به شمار می آید. از طرفی گردشگری محور توسعه پایدار کشورها به شمار می آید. سازمان جهانی تجارت با همکاری بخش برنامه ریزی برای توسعه سازمان ملل برنامه های ویژه ای برای رشد این صنعت در کشورهای در حال توسعه اجرا می کند. وزرای گردشگری سازمان همکاریهای منطقه ای جنوب آسیا با اجرای طرح مشترکی قصد دارند شبکه گردشگری را در منطقه به وجود آورند که بتواند به رشد این صنعت در بین اعضای آن کمک کند. گردشگری صنعتی است که به طور مجزا نمی تواند رشد کند. توسعه این صنعت در گرو رشد و توسعه بخشها و زیرساخت های مختلف اجتماعی است. دولت ها در این رابطه نقش کلیدی می توانند ایفا کنند، ولی نقش مشارکت بخش های خصوصی و تعامل آنها با بخش های دولتی، سازمان های غیر دولتی، موسسات، نهادها و ارگان های دیگر نباید از نظر دور نگه داشته شود. در نتیجه برای رسیدن به توسعه پایدار در عرصه گردشگری تمام قابلیت های جامعه باید بکار گرفته شود.

گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار :

از نظر سازمانهای بین المللی، توسعه پایدار گردشگری به مفهوم مدیریت تمامی منابع است. برای رسیدن به تعامل گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار میبایست همه

اقشار يك جامعه با برنامه‌ريزي مبتني بر اصول توسعه پايدار؛ تلاش‌نمايند تا به يك فرهنگ عمومي تبديل گردد.

گردشگري پايدار، موضوع امروز جهان اقتصاد:

امروزه با توجه به بيانيه هزاره سوم سازمان ملل متحد و اجلاس‌هاي متعدد در سراسر دنيا پايداري به عنوان بخش اساسي از نظم جهاني شناخته مي‌شود و توسعه پايداري از اصولي است که انديشمندان و صاحب نظران مورد توجه قرار مي دهند و اين بدان معني است که حفظ استانداردهاي سطح زندگي آينده بشريت اهميت بسيار زيادي دارد، به طوري که ديگر نمي‌توان از محيط زندگي انسانها همانند گذشته بهره‌برداري و استفاده کرد. بنابراين اين مي‌بايست آثار گردشگري را از ابعاد مختلف مورد بررسي و تحليل قرارداد تا بتوانيم از تهديدات آن بکاهيم. از فرصت‌هاي آن نهايت بهره‌برداري را کنيم. نقاط ضعف را به حداقل برسانيم و نقاط قوت را توسعه دهيم و اين برنامه بدون مشارکت کشورها امکان‌پذير نيست.

خوشبختانه سازمان‌هاي بين‌المللي از جمله سازمان جهاني جهانگري اصول قابل قبولي را ارائه کرده است. از نظر اين سازمان توسعه پايدار گردشگري به مفهوم مديريت تمامي منابع است به طوري که ضمن رعايت تمام شئون فرهنگي کشورها سياست‌هاي حمايتي و فرآيندهاي زيست محيطي و تنوع عوامل محيطي در آن حفظ شود به طوري که نياز گردشگران فعلي و جامعه ميزبان را تامين کند و در عين حال باعث تقويت نيازها و انتظارات آينده آن شود.

برای رسیدن به تعامل گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار می‌بایست همه اقشار یک جامعه با برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول توسعه پایدار تلاش نمایند تا به یک فرهنگ عمومی تبدیل گردد و این تلاش‌ها صرفاً به عهده صاحب‌نظران و فرهیختگان یک جامعه نمی‌باشد چون برای ارتقاء سطح زندگی آینده این مقوله در اختیار بخش یا صنعت و یا یک قشر خاص نمی‌باشد و مربوط به تمامی زمانها و مکانها می‌باشد.

بدین منظور ضروری به نظر می‌رسد که ضمن بررسی اصول توسعه پایدار صنعت گردشگری به صورت اجمال و همچنین آثار و مبانی گردشگری فرهنگی به صورت منفرد برای رسیدن به یک مدل مورد قبول تاثیرات این دو مقوله را نسبت به یکدیگر و سپس آثار اقتصادی و اجتماعی را نسبت به دو مقوله تحلیل نماییم.

گردشگری در بخش اقتصاد خدماتی است که تاثیرات زیادی را بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد و شناخت این ارتباطات کمک بسیار زیادی به تعامل بین توسعه پایدار و گردشگری فرهنگی می‌نماید چون اصل وابستگی متقابل این امر را ایجاب می‌نماید. از دیگر موارد مهم در ارتباط با توسعه پایدار و گردشگری نوآوری و خلاقیت برای استفاده از تمام پتانسیل لازم است و این امر زمانی محقق می‌شود که از انواع تخصص‌ها و آموزش‌ها در این خصوص استفاده نمود و حاکی از چند وجهی بودن در بعد انواع تخصص‌هاست.

از دیگر موارد مهم در اصول پایدار گردشگری برتر بودن هرچیز در حالت طبیعی است البته فرضیات متعددی در این خصوص ارائه شده است ولی نهایتاً می‌توان اذعان نمود که توازن طبیعی بر حالات ساختگی آن ترجیح دارد و از

طرفی اصول توسعه پایدار گردشگری اصل استفاده از
تجارب قبلی است

نهایتاً یکی از ارکان اصلی در توسعه پایدار گردشگری
اصل قدرت و سیاست است به طوری که همانگونه که در
جهان امروز مشاهده می‌کنیم وضعیت جهانی در حال تغییر
بوده و هست و موجب نابرابری‌های بیشماری بین کشورهای
فقیر و غنی شده است. به طوری که بسیاری از کشورها
با داشتن جمعیت کم بخش قابل توجهی را از منابع در
اختیار دارند و بسیاری از کشورها با داشتن جمعیت
زیاد فقیر می‌باشند و این تازه فقط دخالت دادن متغیر
جمعیت در بررسی است در صورتی که متغیرهای زیادی
منجمله درآمد سرانه، تکنولوژی، منابع طبیعی و غیره
می‌تواند این عدم تعادل را به خوبی شفاف‌سازد.

بنابراین مدیریت منابع در جهان امروز بسیار پیچیده
است و تنها همکاری و همدلی کشورها می‌تواند آینده
زندگی در کره زمین را در جهت پایداری امکان پذیر
سازد پس کشورها می‌بایست به دنبال منشور و تبیین یک
دستور کار مناسب باشند تا تقسیم مسولیت و تصمیم‌گیری
را تسهیل نمایند. بدین منظور برنامه‌ریزی مدون را
می‌توان پیشنهاد کرد.

گردشگری فرهنگی:

برای بررسی گردشگری فرهنگی که دارای مفهومی عام است
و مطابق نظر اندیشمندان به دست آوردن چهارچوب مناسب
برای تعریف کامل این مقوله کمی پیچیده است چون دارای
متغیرهای غیرملموس متعددی است که در مقوله فرهنگی
قابل توجه است اما در رویکردهای اجتماعی آن کمی
دشواری به نظر می‌رسد و تحقیقات متعددی هم از طرف دست
اندرکاران در این خصوص ارائه گردیده است که هرکدام

به نوبه خود گوشه‌ای از این مقوله را روشن می‌سازد ولی چهارچوب اصولی را که همه نسبت به آن اجماع داشته باشند در بر نمی‌گیرد.

برای روشن شدن موضوع بهتر است نگاهی اجمالی به این نوع گردشگری از زوایای مختلفی داشته باشیم.

در بحث گردشگری فرهنگی عموماً دو محور مورد بررسی قرار می‌گیرد محور اول گردشگری مرتبط با میراث فرهنگی یک مقصد می‌باشد و بیشتر ر این دیدگاه بعد تاریخی یک جامعه مورد نیاز است و محور دوم گردشگری فرهنگی موضوع زمان حال و فرهنگ جاری یک مقصد را مدنظر قرار می‌دهد.

در حقیقت گردشگری فرهنگی نوعی از گردشگری است که گردشگر را به فراگیری، آموزش، کنکاش و کسب تجربه درباره فرهنگ حال و گذشته جامعه مقصد و مقایسه آن با داشته‌ها و انگیزه‌های جامعه خود و دیگران می‌نماید و در واقع تجربه کیفی میان گردشگر و محیط مورد بازدید می‌باشد.

بدیهی است که با توجه به تنوع مقوله گردشگری فرهنگی و همچنین تنوع گردشگران فرهنگی در میزان انگیزه و نیازها، انتظارات، سلقه و علایق آن‌ها در بازدید از یک مقصد تفاوت‌های بسیاری وجود داشته باشد و این تفاوت‌ها باعث برداشته‌های گوناگونی می‌گردند بنابراین میزان رضایت و بهره‌مندی هم تغییر است و جمع‌آوری و به روز نمودن این رضایت مندی می‌تواند راهگشای سیاست گذاران صنعت گردشگری در بخش گردشگری فرهنگی با توجه به درجه حساسیت آن باشد که این به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای توسعه پایدار در بخش گردشگری فرهنگی پیشنهاد می‌گردد.

بررسی تعامل گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار گردشگری:

مهمترین عاملی که در مطالعات گردشگری و استخراج نتایج علمی در اکثر کشورها به دست آمده است و سازمانهای جهانی به آن اتفاق نظر دارند این است که هرسیاست و تصمیمی که در زمینه گردشگری در هر جامعه ای اتخاذ می‌گردد می‌بایست مورد حمایت کلیه اقشار و عناصر آن جامعه واقع شود به طوری که کلیه افراد آن جامعه که از این فعالیت و تصمیم و سیاست مورد تاثیر واقع می‌شوند باید با توجه به منابع و هزینه‌ها آن را تایید نمایند و برای این اساس است که می‌توان سهم هر قشر و عنصری را در آن مشخص و براساس آن تقسیم مسوولیت نمود تا مسوولیت پذیری برای افراد و سایر دست اندرکاران آن جامعه صورت پذیرد. بالطبع در تعامل بین گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار موضوعات ذیل که بسیار دارای اهمیت می‌باشند باید در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرند و این مستلزم آن است که هرکدام از آنها بارها مورد مطالعه و تحقیق واقع شوند:

1- این ابعاد پایداری در زمینه گردشگری فرهنگی به طوری که دقیقاً مشخص نماییم چه چیزهایی باید پایدار گردد و این پایداری در کدام ابعاد می‌بایست استاندارد گردند و به طور کلی مدیریت مقصد گردشگری باید برچه اساس و با چه مکانیزمی هماهنگ فعالیت‌ها را برای اجرای برنامه توسعه پایدار با رویکرد گردشگری فرهنگی مدنظر قرار دهد و اصولاً تشکیلات مطلوب برای این منظور چگونه است؟

2- تعیین ارزشهایی که توسعه پایدار در زمینه گردشگری فرهنگی می‌بایست براساس آن برنامه‌ریزی شود و از

آنجایی که مراکز سیاست‌گذاری و قدرت، شکل و سطح آن را در قالب قوانین و مقررات در اکثر کشورها مشخص می‌نمایند و از طرفی تصمیم‌گیرندگان در زمینه‌های فرهنگی و گردشگری ممکن است ابزارهای لازم را برای تاثیرگذاری و اعمال مستقیم سیاست نداشته باشند چگونه می‌توان این ارزشها را به صورت يك فرآیند مورد قبول گردشگران در جهت حفظ آنها و ارتقاء این ارزشها در برنامه‌ریزی‌ها اعمال نمود به طور کلی حفظ ارزشها از اصول اولیه هر جامعه براساس معیارهای آن جامعه می‌باشد.

3- تعیین افق زمانی در گردشگری فرهنگی هم برای رسیدن به پایداری اهمیت ویژه‌ای دارد به طوری که در مفهوم پایداری و گردشگری فرهنگی معمولاً زمان نامحدود به نظر می‌رسد ولی در برنامه‌ریزی اصلاً اینطور نیست به طوری که در مباحث قبلی مطرح گردید با توجه به تنوع و تغییرات و رویدادها و عوامل غیرملموس و اصولاً علایق گردشگران پرداختن به يك دوره نامحدود امکان‌پذیر نمی‌باشد و بهترین راه این است که برنامه زمان‌بندی مشخصی را ارائه نماییم که خود بخشی از يك برنامه بلندمدت باشد تا بتوانیم ارزیابی دوره‌ای را برای ارتقاء اهداف و نتایج به صورت منسجم داشته باشیم

4- تعیین جامعه مورد نظر در گردشگری فرهنگی به منظور پایداری از اصول برنامه‌ریزی است و این بدان معناست که با توجه به مقتضیات جغرافیایی، طبیعی، مردمی، مذهبی، نژادی و نوع گویش و سایر داشته‌ها هر مقصد مختصات خود را دارد که با استفاده از آنها می‌توان جامعه و یا منطقه‌ای را برای مطالعه انتخاب و امکانات را در آن گسترش داد و از نتایج آن در سایر مناطق و جوامع استفاده نمود. بنابراین برای برنامه‌ریزی در

بعد ملي و بين المللي و اصولا اينکه جامعه مورد نظر را از لحاظ قدرت و اختيارات لازم جهت تغيير آماده نمود اين ال مخصوصا براي جلب پشتيباني هاي لازم جهت تغيير آماده نمود اين اصل مخصوصا براي جلب پشتيباني هاي لازم جهت اعمال استانداردها و صدور مجوزهاي لازم جهت انواع فعاليتهاي گردشگري با اهميت است.

امروزه با توجه به بيانيه هزاره سوم سازمان ملل متحد و اجلاسهاي متعدد در سراسر دنيا پايداري به عنوان بخش اساسي نظم جهاني شناخته ميشود و توسعه پايدار از اصولي است که انديشمندان و صاحب نظران مورد توجه قرار مي دهند. اين بدان معني است که حفظ استانداردهاي سطح زندگي آينده بشريت اهميت بسيار زيادي دارد، به طوري که ديگر نمي توان از محيط زندگي انسانها همانند گذشته بهره برداري و استفاده کرد. بنابر اين بايد آثار گردشگري را از ابعاد مختلف مورد بررسي و تحليل قرار داد تا بتوانيم از تهديدات آن بکاهيم، از فرصت هاي آن نهايت بهره برداري را بکنيم، نقاط ضعف را به حداقل برسانيم و نقاط قوت را توسعه دهيم و اين برنامه بدون مشارکت کشورها امکان پذير نيست. خوشبختانه سازمان هاي بين المللي از جمله سازمان جهاني جهانگري اصول قابل قبولي را ارائه کرده اند. از نظر اين سازمان توسعه پايدار گردشگري به مفهوم مديريت تمامي منابع است، به طوري که ضمن رعايت تمام شئون فرهنگي کشورها سياست هاي حمايتي و فرآيندهاي زيست محيطي و تنوع عوامل محيطي در آن حفظ شود تا نياز گردشگران فعلي و جامعه ميزبان را تامين کرده و در عين حال باعث تقويت نيازها و انتظارات آينده آنها شود. براي رسيدن به تعامل گردشگري فرهنگي توسعه پايدار بايد

همه اقشار یک جامعه با برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول توسعه پایدار تلاش کنند تا این امر به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود و این تلاش‌ها صرفاً به عهده صاحب‌نظران و فرهیختگان یک جامعه نیست، چون برای ارتقا سطح زندگی آینده این مقوله در اختیار بخش‌ها یا صنعت و یا یک قشر خاص نیست و مربوط به تمام زمان‌ها و مکان‌ها است. بدین منظور ضروری به نظر می‌رسد که ضمن بررسی اصول توسعه پایدار صنعت گردشگری به صورت اجمالی و همچنین آثار و مبانی گردشگری فرهنگی به صورت منفرد برای رسیدن به یک مدل مورد قبول تأثیرات این دو مقوله را نسبت به یکدیگر و سپس آثار اقتصادی و اجتماعی را نسبت به این دو مقوله تحلیل و بررسی کنیم. گردشگری در بخش اقتصاد، شامل خدماتی است که تأثیر زیادی بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد و شناخت این ارتباطات کمک بسیار زیادی به تعامل بین توسعه پایدار و گردشگری فرهنگی می‌کند چون اصل وابستگی متقابل این امر را ایجاب کرده. از دیگر موارد مهم در ارتباط با توسعه پایدار و گردشگری، نوآوری و خلاقیت برای استفاده از تمام پتانسیل لازم است و این امر زمانی محقق می‌شود که از انواع تخصص‌ها و آموزش‌ها در این خصوص استفاده شود و این امر حاکی از چند وجهی بودن در بعد انواع تخصص‌هاست. از دیگر موارد مهم در اصول پایدار گردشگری برتر بودن هر چیز در حالت طبیعی است، البته فرضیات متعددی در این خصوص ارائه شده است ولی نهایتاً می‌توان اذعان کرد که توازن طبیعت برحالات ساختگی آن ترجیح دارد و از طرفی از دیگر اصول توسعه پایدار گردشگری اصل استفاده از تجارب قبلی است. نهایتاً یکی از ارکان اصلی در توسعه پایدار گردشگری اصل قدرت و سیاست است به طوری‌که

همانگونه که در جهان امروزه مشاهده می‌کنیم وضعیت جهانی در حال تغییر بوده و هست و موجب نابرابری‌های بیشماری بین کشورهای فقیر و غنی شده است، به طوری که بسیاری از کشورها با داشتن جمعیت کم بخش قابل توجهی از منابع را در اختیار دارند و بسیاری از کشورها با داشتن جمعیت زیاد فقیرند و این تازه فقط دخالت دادن متغیر جمعیت در بررسی است در صورتیکه متغیرهای زیادی منجمله در آمد سرانه، تکنولوژی، منابع طبیعی و غیره می‌تواند این عدم تعادل را به خوبی شفاف سازد. بنابراین مدیریت منابع در جهان امروز بسیار پیچیده است و تنها همکاری و همدلی کشورها می‌تواند آینده زندگی در کره زمین را در جهت پایداری، امکان‌پذیر سازد. پس کشورها باید به دنبال منشور و تبیین یک دستور کار مناسب باشند تا تقسیم مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری را تسهیل کند، بدین منظور برنامه‌ریزی مدون را می‌توان پیشنهاد کند. گردشگری فرهنگی بررسی گردشگری فرهنگی که دارای مفهومی عام است و به دست آوردن چهارچوب مناسب برای تعریف کامل این مقوله فرهنگی مطابق نظر اندیشمندان، کمی پیچیده است. چون دارای متغیرهای غیر ملموس متعددی است که در مقوله فرهنگی قابل توجه است، اما در رویکردهای اجتماعی توجه آن کمی دشوار به نظر می‌رسد و تحقیقات متعددی هم از طرف دست‌اندرکاران در این خصوص ارائه شده است که هر کدام به نوبه خود گوشه‌ای از این مقوله را روشن می‌سازد ولی چهارچوب اصولی را که همه نسبت به آن اجماع داشته باشند در بر نمی‌گیرد. برای روشن شدن موضوع بهتر است نگاهی اجمالی به این نوع گردشگری از زوایای مختلفی داشته باشیم. در بحث گردشگری فرهنگی عموماً دو محور مورد بررسی قرار می‌گیرد، محور اول

گردشگری مرتبط با میراث فرهنگی یک مقصد است و بیشتر در این دیدگاه بعد تاریخی یک جامعه مورد نظر است و محور دوم گردشگری فرهنگی موضوع زمان حال و فرهنگ جاری یک مقصد را مدنظر قرار می‌دهد. در حقیقت گردشگری فرهنگی نوعی از گردشگری است که گردشگر را به فراگیری، آموزش، کنکاش و کسب تجربه درباره فرهنگ حال و گذشته جامعه مقصد و مقایسه آن با داشته‌ها و انگیزه‌های جامعه خود و دیگران وامی‌دارد و در واقع تجربه کیفی میان گردشگر و محیط مورد بازدید قرار می‌گیرد. بدیهی است که با توجه به تنوع مقوله گردشگری فرهنگی و همچنین تنوع گردشگران فرهنگی در میزان انگیزه و نیازها، انتظارات، سلیقه و علائق آنها در بازدید از یک مقصد تفاوت‌های بسیاری وجود داشته باشد و این تفاوت‌ها باعث برداشته‌های گوناگونی می‌شود، بنابراین میزان رضایت و بهره‌مندی هم متغیر است و جمع‌آوری و به روز کردن این رضایتمندی می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران صنعت گردشگری در بخش گردشگری فرهنگی با توجه به درجه حساسیت آن باشد که این به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای توسعه پایدار در بخش گردشگری فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

بررسی عوامل ذیل برای به دست آوردن مدل گردشگری فرهنگی موفق در توسعه پایدار گردشگری ضروری به نظر می‌رسد:

1. ثبت انگیزه‌های گردشگران در گردشگری فرهنگی و میزان رضایت مندی
2. ایجاد عوامل موثر در تعدیل شناخت گردشگران نسبت به فرهنگ مقصد گردشگری
3. اندازه‌گیری تاثیرات فرهنگی گردشگری بر مقاصد

4. مشخص کردن توانمندی فرهنگی جامعه مقصد
5. آموزش و ایجاد یکپارچگی فرهنگی در جامعه مقصد
6. ایجاد انگیزه‌های حمایتی در جوامع محلی و فرهنگ میزبان متناسب و منطبق با ضوابط اخلاقی
7. تبیین منشور گردشگری فرهنگی و ایجاد زمینه توسعه پایدار در این بخش
8. اندازه‌گیری تاثیرات اقتصادی و اجتماعی گردشگری فرهنگی در جامعه مقصد
9. استفاده از ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی برای برنامه‌ریزی مدون
10. بررسی مداوم عملکرد براساس یک نظام آماری مدون برای به حداقل رساندن تهدیدات و رفع موانع

بررسی تعامل گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار گردشگری:

مهمترین عاملی که مطالعات گردشگری و استخراج نتایج علمی در بیشتر کشورها به دست آمده است و سازمان‌های جهانی به آن اتفاق نظر دارند این است که هر سیاست و تصمیمی که در زمینه گردشگری در هر جامعه‌ای اتخاذ می‌شود باید مورد حمایت تمام اقشار عناصر آن جامعه واقع شود به طوری که همه افراد آن جامعه که از این فعالیت و تصمیم و سیاست مورد تاثیر واقع می‌شوند باید با توجه به منابع و هزینه‌ها آنرا تایید کنند و بر این اساس است که می‌توان سهم هر قشر و عنصری را در آن مشخص و براساس آن تقسیم کرد تا مسئولیت‌پذیری برای افراد و سایر دست‌اندرکاران آن جامعه صورت پذیرد. بالطبع در تعامل بین گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار موضوعات ذیل که بسیار دارای اهمیت است باید در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرند و این مستلزم

آن است که هر کدام از آنها بارها مورد مطالعه و تحقیق واقع شوند:

1. تعیین ابعاد پایداری در زمینه گردشگری فرهنگی به طوری که دقیقاً مشخص کنیم چه چیزهایی باید پایدار شود و این پایداری در کدام ابعاد باید اولویت بندی شود، به طور مثال جامعه مورد مطالعه، در چه حدی باید استاندارد شود و به طور کلی مدیریت مقصد گردشگری باید بر چه اساس و با چه مکانیزمی هماهنگی فعالیتها را برای اجرای برنامه توسعه پایدار با رویکرد گردشگری فرهنگی مدنظر قرار دهد و اصولاً تشکیلات مطلوب برای این منظور چگونه است.

2. تعیین ارزشهایی که توسعه پایدار در زمینه گردشگری فرهنگی باید براساس آن برنامه ریزی شود. از آنجایی که مراکز سیاستگذاری و قدرت، شکل و سطح این ارزشها را در قالب قوانین و مقررات در بیشتر کشورها مشخص می‌کنند و از طرفی تصمیم‌گیرندگان در زمینه‌های فرهنگی و گردشگری ممکن است ابزارهای لازم برای تاثیرگذاری و اعمال مستقیم سیاست را نداشته باشند، چگونه می‌توان این ارزشها را به صورت یک فرآیند مورد قبول گردشگران در جهت حفظ آنها و ارتقا این ارزشها در برنامه ریزیها اعمال کرد.

3. تعیین افق زمانی در گردشگری فرهنگی هم برای رسیدن به پایداری اهمیت ویژه‌ای دارد به طوری که در مفهوم پایداری و گردشگری فرهنگی معمولاً زمان نامحدود و به نظر می‌رسد ولی در برنامه ریزی اصلاً اینطور نیست. همان طور که در مباحث قبلی مطرح شد با توجه به تنوع، تغییرات، رویدادها و عوامل غیرملموس و اصولاً علائق گردشگران پرداختن به یک دوره نامحدود امکان‌پذیر نیست و بهترین راه این است که برنامه زمانبندی

مشخصی را ارائه کنیم که خود بخشی از یک برنامه بلند مدت باشد تا بتوانیم ارزیابی دوره‌ای را برای ارتقا اهداف و نتایج به صورت منسجم داشته باشیم.

4. تعیین جامعه مورد نظر در گردشگری فرهنگی به منظور پایداری از اصول برنامه‌ریزی است و این بدان معناست که با توجه به مقتضیات جغرافیایی، طبیعی، مردمی، مذهبی، نژادی و نوع گویش و سایر داشته‌ها، هر مقصد مختصات خود را دارد که با استفاده از آنها می‌توان جامعه و یا منطقه‌ای را برای مطالعه انتخاب و امکانات را در آن گسترش داد و از نتایج آن در سایر مناطق و جوامع مورد نظر از لحاظ قدرت و اختیارات لازم جهت تغییر استفاده کرد. این اصل مخصوصاً برای جلب پشتیبانی‌های لازم برای اعمال استانداردها و صدور مجوزهای لازم جهت انواع فعالیت‌های گردشگری با اهمیت است.

بررسی نتایج و پیشنهادات:

در خاتمه با توجه به بررسی‌های انجام پذیرفته و اصل وابستگی متقابل بررسی اجمالی گردشگری فرهنگی و ابعاد آن در توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن اثرات اقتصادی، اثرات اجتماعی و نقش دولتها در برنامه‌ریزی علمی و عملی خالی از اشکال نیست، بنابراین پیشنهاد می‌شود: برای رسیدن به مدلی ایده آل تاثیرات متقابل هر کدام از مقوله‌ها در این فرآیند مورد توجه واقع شود به طور مثال می‌توان موارد ذیل را به صورت اختصار یادآوری کرد:

1. نقش گردشگری فرهنگی و جایگاه آن در اقتصاد کلان کشورها

2. میزان مشارکت دولت در تدارک زیرساخت‌های گردشگری فرهنگی در توسعه پایدار
3. مقدار مخارج گردشگران فرهنگی اعم از داخلی و خارجی در کشورها
4. میزان اشتغال حاصل از درآمدهای گردشگران فرهنگی به طور مشخص در کشورها
5. اندازه اقتصادی و اجتماعی هر مقصد در گردشگری فرهنگی هر کشور
6. میزان تاثیر جاذبه‌های فرهنگی و امکانات هر مقصد در ورود گردشگران فرهنگی
7. تعیین میزان مسئولیت و نقش بنگاه‌های اقتصادی در گردشگری فرهنگی

منابع:

1. بهرامی ، تقی ، 1330، تاریخ کشاورزی ایران. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
2. آربری ، 1. ج و دیگران ب ، ث - میراث ایران جلد اول ، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب
3. اعتصام ، ایران- اتوپی و محیط انسانی (محیط انسانی) . انتشارات دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

www.chtn.ir .4

<http://www.ebtekarnews.com/ebtekar/News.aspx?NID=6901> .5

<http://www.chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=21442> .6

7. خبر گذاری اجتماعی-فرهنگی میراث آریا